



جلسه ۱۳۶

نوره هفتم تقویمیه

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

سه شنبه ۷ مردادماه ۱۳۰۹ - ۳ ربیع الاول ۱۳۰۹

قیمت اشتراك سالیانه  
داخله: ۱۰ تومان  
خارجه: ۱۲ تومان  
تک شماره: یکقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه هفتم ارداد ماه ۱۳۰۹ \* ( سوم ربیع الاول ۱۳۴۹ )

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس  
 (۲) تصویب سه فقره مرخصی  
 (۳) تنذیه يك فقره لایحه از طرف وزارت اقتصاد منی  
 (۴) شور اول خبر کمیسیون داخله راجع حقوق تقاعد افراد نظمی  
 (۵) شور اول خبر کمیسیون اقتصاد منی راجع بلائحه بانک فلاحی  
 (۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس سه شنبه ۳۱ نیر ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \*

رئیس - آقای فیروز آبادی  
 فیروز آبادی - قبل از دستور  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست  
 ( نمایندگان - خیر )  
 رئیس - بسیار خوب  
 [ ۲ - تصویب سه فقره مرخصی ]

رئیس - تصویب شد. بنده از آقا تمنا میلانم ( خطاب  
 - آقای فیروز آبادی ) اگر کار ضروری ندارند مذاکره  
 رئیس - چند فقره راپرت از کمیسیون عرایض و مرخصی  
 رسیده است قرائت میشود :

بنام عین مذاکرات مشروح یکصد و سی و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اعضای غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده : غائبین با اجازه - آقایان : حسنعلی میرزا دولتشاهی -  
 امیر ابراهیمی - امیر عمری - فرخی - محمد ولی میرزا - اعظم زنگنه - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - ارستانی - اسکندری -  
 اورنگ - میرزا بانس - مقدم - امیر حسین خان - تیمور تاش  
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسن خان وثوق - بوشهری - مسعود - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی -  
 حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک  
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : شریعت زاده - ارکانی  
 دیر آمده بی اجازه - آقای همراز

خبر مرخصی آقای بزرگ نیا

۱- آقای بزرگ نیا نماینده محترم برای مسافرت تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده مبلغ پنجاه تومان از مقرری مرخصی مزبور را به تعمیر مقبره خیم اختیاص داده اند کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود. بجای مخبر منشی کمیسیون علی شهادت

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

امیر تیمور کالالی - مخالفی نیست

رئیس - چرا، آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفم. بنده بهمان نظری که عرض کرده و داشتم و مکرر عرض کرده ام و نیز هم مکرر خواهم کرد عقیده ندارم آقایان تمام حقوق مرخصیشان را یا لا اقل زیاد از نصفش را بگیرند حالا که بنا شده آقایان توجه بیک امر خوری بکنند خوب است نظر بیندازند بیک امری که خیر الخیر باشد یعنی کاری بکنند که زنده ها نمیرند کسانی که مرده اند هیچ نتیجه ساختن قبر آنها ندارد نه بجهت آنها دارند بجهت ما ما این امورات را امروز در نظر نگیرید عرض کردم اگر بیک قبوری بود که ما از آنها استفاده روحی معنوی، دنیای استفاده اخروی میگردیم بهترین چیزها بود اما چیزی که بر خلاف این باشد و از اینقرار نباشد و با احتیاجاتی که امروزه ما داریم بجهت حفظ حیات مردم حفظ زندگی مردم اینها را در نظر بگیریم گمانم بهتر از این است. بنده دو دفعه ظاهرا عرض کردم که مرخصانه در حضرت عبد العظیم تأسیس شده بجهت اینکه زنده ها نمیرند و از آقایان استدعا کردم در این باب همراهی بکنند از حقوق مرخصیشان یک چیزی بجهت اینکار تخصیص بدهند ایشان این لطف را به بنده

۳- آقای ظفری نماینده محترم برای رسیدگی با امور محلی تقاضای یک ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و پنجاه تومان از مقرری ایدم مرخصی را هم برای تعمیر مقبره خیم تخصیص داده اند کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان عریضی را که کرده بزرگ هم میکنم در باره آقای حاج آقا حسین هم مخالف بوده نوبت به من نرسید با فرصت نشد به توجهی نشد بنده به کلیه اینها مخالفم و در مخالفت هم به فشاری میکنم و عرض خود را هم میکنم میدانم در این دوره مورد توجه نمیشود امیدواریم وکلای دوره دیگر متوجه بین امورات بشوند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی عقیده دارند و همیشه در این ادوار مجلس به مرخصیه مخالفت کرده اند بنده هم تقدیس میدانم که ایشان یک عقیده دینی را گرفته اند و دارند پیش میروند و ضمن یک معتقداتی را پیش گرفته اند که مرخصانه حضرت عبد العظیم را تأسیس کرده اند این هم یک نیت مقدسی است ولی مانع از این نیست که یک اشخاصی بخواهند قبر بکنند از شعری بزرگ و مهم این مملکت را تعمیر کنند و بنده نظر بعضی که در کمیسیون عریض دارد به آقایان تذکر میدهم که تقاضای مرخصیهائی که به کمیسیون میاید ما بمیل و رضای خود آقایان واگذار می کنیم و حتی منظور حضرتعالی را هم بنده به آقایان تذکر میدهم منتهی موقع و مورد آن نرسیده است برای اینکه مخارج و مصارفی که برای ساختمان آنجا لازم است هنوز تهیه و تدارک نشده است البته اگر چنانچه آقایان موافقت کنند آنهم مورد دارد ولی بعقیده بنده این نظر حضرت عالی نباید مغایر به تعمیر مقبره خیم باشد و البته همینطور که حضرتعالی همراهی کردید با تأسیس مرخصانه شاید بعضی آقایان هم در آیه موافقت کنند. آقای ظفری هم تاکنون هیچ مرخصی نگرفته اند و در این دو ساله که

بوده اند اولین دفعه است که مرخصی میگیرند و تقاضای مرخصی میکنند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای ظفری قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۴- تقدیم یک فقره لایحه از طرف وزارت اقتصاد ملی

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی داشتند: وزیر امور خارجه و کشتیل وزارت اقتصاد ملی -

لایحه قانونی است مبنی بر اعطاء امتیاز استخراج معدن ذغال سنگ خراسان تقدیم مجلس شورای ملی میماند (صحیح است)

۴- شور اول خبر کمیسیون داخله راجع بحقوق قاعد افراد نظمی

رئیس - خبر کمیسیون داخله در جلسه آقای وزیر داخله فرمایشی داشتند:

وزیر داخله - عمین را میخواستم عرض کنم

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع بحقوق قاعد افراد نظمی. شور اول. ماده و حدود:

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون مستخدمه کتبه مستخدمین نظمی اع از حاکمات و مأمورین در رتبه افراد و ردیف افراد ( خود مشمول قانون مستخدمه کشوری باشند خود نباشند ) که در نتیجه بقای وظیفه تلف شده اند بخواهند شد دولت بلا استخرین مقرری خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت در برهه ارائه قانونی آنها که در ماده ۳ قانون وظایف مورخ ۱۹ ربیع اول ۱۳۲۶ تصریح شده و علاوه در برهه بر در و خوری که در کفالت آنها بوده اند بعنوان وظیفه بطور تسری قرار و از زمان فوت آنها پرداخته خواهد شد

رئیس - شور اول آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا یک موضوعی است که هم آقای وزیر اقتصاد تشریف دارند و هم آقای وزیر داخله اساساً بنده که در مجلس بوده از دوره چهارم همیشه نظرم این بوده است که پولی را که مات میدهد از برای شکایات

غیر از تشکیلات اولیه تملک که عبارت از تأمینات و معارف و صحیه و اینها باشد امر زائد است و یکی از تشکیلات مهم نظمیه است بین الله نظمیه یکی از تشکیلاتی است که عقلا و دانایان بهترین تشکیلات از برای حفظ جامعه نظمیه را میدانند و نظمیه ما هم روز بروز در ترقی است و خدمات افراد نظمیه هم بر همه مکشوف و مبرهن است و این محلی نیست که بنده مخالف باشم بنده مخالفتم از راه تعقیب و سؤال راجع بمسئله بودجه و راجع بمسئله خرج است بنده میدانم و عقیده ام این است اول خرجی را که تملک باید بکند همانست که در اخبار ما هست (الصحة والامان) مخارج کردن برای امنیت جانی و امنیت مالی و امنیت طرقی است که نظمیه معین شده است از برای تأمینات شهری و نظمیه ما این کار هارا میکند اما این قانون لابد در اینجا يك حقوقی را ملاحظه کرده است نوشته شده است در خبر کمیسیون (در خبر دولت اینجور نبود لایحه دولت اینجور نبود) از اجرای قانون استخدام قانون استخدام از سنه ۱۳۰۲ اجرا شده است این را آمده اند کمیسیون داخله در صورتیکه بنده عرض کرده اساساً موافق هستم هم در جور مجلس در باره نظمیه صحبت داشته باشد اما نه باندازه که ما کاسه از آتش گرمتر بشیم بعلمت اینکه خود دولت نیامده است از اول اجرای قانون استخدام در نظر بگیرد آمده است در کمیسیون داخله از اول اجرای قانون استخدام قرار داده است خوب پس حالا که اینجور شده است از آنوقتی که تشکیل نظمیه شده است و آمده است در طهران و مرحوم پیر رئیس نظمیه شد از آنوقت قرار بدهند از آنوقتی که نظمیه تشکیل شد بلکه از زمان کنت و منت کی بود فرانسوی این اولاً و ثانیاً این نظمیه از سنه ۱۳۰۲ که رو بترقی رفت و در دست صاحبمنصبان ایرانی آمد و حسن ظن ما را نسبت بنظمیه زیاد کرد و حقیقتاً محل توجه ما واقع شد که خارجیهها دست برداشتند و خود ایرانیها کاملاً از عهده تأمینات و انتظامات نظمیه برآمدند

این يك قانون علیحده ما فائل شویم خیلی خوب است اما نمیدانم به این ضیق بودجه و این ترتیباتی که وزراء میآیند در اینجا صحبت میکنند با این مخارجی که امسال دولت در بودجه در نظر گرفته است نسبت بمخارج عام المنفعه آیا تأمین این محل شده است که از سنه ۱۳۰۲ شما این مخارج را بدهید در بودجه نظمیه صرفه جوئی دارید که این را تأمین نکنید یا ندارید اگر از بودجه نظمیه و صرفه جوئی هست باید در اینجا پیشنهاد بدهید و الا اگر ندارید ما الان در اینجا بیایم رأی بدهیم در صورتیکه رأی دادن فرع بر اطمینان است که محلی از برای آنها هست یا نیست لابد در کمیسیون بودجه در نظر گرفته شده است و محلی از برای آنها معین شده است اما شش سال پیش از این حقوقی در اینجا مرتب میشود نمیدانم مگر در اینجا آقای وزیر داخله بگوید که با وزارت مالیه صحبت کردیم و معین کردیم که بعد از آنکه قانون از مجلس گذشت از این محل که معین شده است ما خواهیم داد و بنده مطابق قوانینی که از مجلس گذشته است مطابق قانون محاسبات عمومی که هر سالی که گذشت تا پانزده ماه تمام شد بقیه بسنه مالی دیگر بر میگردد و اگر پولی از سابق باشد میشود مگر توسط لایحه جدیدی باشد عرض کرده بنده اساساً در اصلش موافق هستم ولی این اشکال های مالی را در اینجا باید بگوئیم و خود آقای وزیر داخله و آقای مخبر باید توجه بکنند فردا که این لایحه از مجلس گذشت در موقع عمل در ادارات مالیه کبر نیفتد که حالا که مجلس يك عنایتی يك توجه خاصی بعترف نظمیه دارد محل اشکال واقع نشود اگر اشکالی هست ما خودمان بن حقن که داریم در حل اشکالات صحبت کنیم و آن اشکالات مرتفع شود این است نظریات بنده در این باب

**وزیر داخله (آقای سمعی)** - عرض کنم اول آن موضوعی که فرمودید در لایحه دولت نبود و در خبر کمیسیون بوده است اینطور نیست خود دولت هم در لایحه خودش همینطور تقاضا کرده بود که از اول اجرای قانون

استخدام این رعایت در حق ورثه مقتولین بشود تا اینکه تصور نفرمائید که این چیز زیاد مهمی است فقط موردش دو سه تا بیشتر نیست برای اینکه يك وسیله داشته باشند برای تأسیس آسایش این چند نفر و نتوانسته است این کار را بکند بالاخره ما چاره در این دیدیم که بمجلس پیشنهاد کنیم و اجازه بگیریم و محل این هم تعیین شده است و اشکالات قانونی نخواهد داشت.

**جمعی از نمایندگان** - کافی است

**رئیس** - پیشنهاد آقای کیا قرائت میشود:

**پیش نهاد آقای کیا**

مقام مقدس ریاست مجلس دامت شوکته اعلی

توضیح ذیل را پیشنهاد مینمایم

در نتیجه ایفاء وظیفه اعم از اینکه مریض شده یا مقتول گردد

**رئیس** - رأی میگیریم بورود دستور دوم موافقتین با ورود در شور دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۵ - شور اول خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بلائحه بانک فلاحی ]

**رئیس** - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بانك فلاحی قرائت میشود:

**خبر کمیسیون**

کمیسیون اقتصاد ملی با حضور آقای وزیر اقتصاد ملی و مشارکت کمیسیون محترم بودجه لایحه شماره ۳۸۳ دولت راجع بتاسیس بانک فلاحی را مطرح و مورد مذاقه قرار داده و اینک مواد پیشنهادی را با اصلاحاتی که نموده است برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم مینماید:

ماده ۱ - وزارت مالیه از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحی بانک ملی نادیده خواهد کرد

ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن باریاب فلاحی باسمه شعبه فلاحی تاسیس خواهد شد

محاسبات شعبه مذکور جداگانه و مستقل از سایر محاسبات بانک ملی خواهد بود

ماده ۳ - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکوره در فوق باندازه توسعه یابد که تبدیل آن بیک بانک مستقل مقتضی شود اداره بانک ملی با موافقت هیئت نظارت بانک و تصویب هیئت دولت بدین امر اقدام خواهد کرد

ماده ۴ - شعبه فلاحی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل:

۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه (تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

۲ - برای ایجاد توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای - پنبه - نیل - روغن - ابریشم - کنف - نیشکر

تونون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک استقرار کنند در آنجا واقع است لازم بداند.

**رئیس** - چند نفر از آقایان بنده را متذکر میکنند که چون خبر طبع شده است ضرورت ندارد خوانندش طولانی هم است (صحیح است) مذاکره در کلیات است - آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - بنده خیلی تشکر از دولت میکنم که در صدد بر آمده بانکی تاسیس کند که اسباب ترقی و توسعه فلاحی باشد این بسیار خیال خیلی خوبی است امید واریم همچنانکه در نظر شان هست کاملاً موفق شوند چیزی را که بنده در نظر دارم یکی این است که ممکن است همین بانک را به همین ترتیب که در نظر دارند و میخواستند توسعه بدهند و بانک فلاحی به همین نتیجه و با همین خواص باشد اما اسم نفع و فرع و اینها را بر

دارند و بعنوان بیع شرط باشد چون ملک بر میدارد دولت در مقابل پولی که قرض می دهند هر ملک را که بر می دارد بعنوان بیع شرط بر دارد و محظورات خود دولت هم در آن صورت کمتر است و بجهت خود دولت از حیث فرع و غیره بهتر و مشروعتر است که ملک را بعنوان بیع بر دارد بعنوان فرع و اینها نباشد بنده گمانم این است که بعد ها هر کس طالب کار بشود و از تمام دنیا این اسم برداشته شود و مرده دنیا راضی نشوند يك کسی مهر وسیله شد يك پولی جمع کند بدهد بيك بنای و مرده دیگر کار کنند فرعی را بدهند و او برود عیسی کند يك وقت دیگر هم خواهد شد ولی يك مدتی کار دارد تا مرده همه عقیده شن این بشود که باید کار کرد و نان خورد و هر کس نخواهد بزور شلاق برود کار کند انشاء الله امیدواریم این عقیده بطور مشروع در تمامه ها پیدا بشود يك نظریه این بود که این لفظ فرع را بر دارند و بعنوان بیع شرط باشد و بنده فکر میکنم که هیچ قسم محظوری هم در این بین نیست که اسباب اشکال شود و محتاج وکیل کردن باشد و در ضمن فروشنده نباید وکالت بدهد بیانات اینها را لازم ندارد وقتی بیع شرط گذاشت و موقعش رسید خود بانک میتواند بفروشد چیزی که هست ملاحظه صرفه اشخاص و فلاحین قانونی قاعده بگذارند که زبده از حقوق خودش را بصاحب ملک برگردانند نه اینکه زیادیش را خودش بر دارد بنده این نظریه است در کلیات بعد ماده بنامه هم بعضی عرایض دارم که موقع خودش عرض میکنم امیدوارم این عرایض بنده مورد توجه شود

**اعتبار (مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) -** در قسمت

اصل قانون که البته آقای فیروز آبادی نهایت موافقت را دارند یعنی همه موافق هستیم ولی در خصوص بیع که فرمودند این را باید مسبوق باشید که بانک فلاحی نظر ندارد از اینجا يك استفاده کرده باشد واقعاً ربح بدهد با

فرع بگیرد این صد چهار صد شش حد اقلی است که برای مخارج بانکی لازم بوده است منظور شود و این نظر حضرتعالی هم چندان اشکال ندارد ممکن است پیشنهاد بفرمائید شور اول است در شور دوه يك عبارتی پیدا کنیم که بهتر باشد.

**رئیس - آقای هزار جریبی**

**هزار جریبی -** بنده با اصل لایحه مخالف نیستم ولی این لایحه بطوری تنظیم شده است که آن نفعی را که در نظر داریم بهیچوجه من الوجوه عاید نمیشود برای اینکه اولاً در ماده شش ملاحظه بفرمائید میگوید ملک باید ثبت شده باشد در صورتیکه در ملکیت هنوز ثبت اسناد دائر نشده است خیلی جزئی در طهران (خانه ها ثبت شده است) در خارج در خط شمال ابتدا نیست ثبت اسناد نرفته است جدیداً يك مأموری فرستاده اند برای ثبت اسناد شمال برود ثبت اسناد بشود ده سال طول میکشد و یکی از ولایات حاصلخیز شده خط مازندران و گیلان و استرآباد است (فیروز آبادی - خط شمال) خط شمالی است آنجا توتون که مرقوم فرموده اند توتون کنف - نیشکر - پنبه اینها همه در مازندران و در این خط شمال عمل می آید و بنا براین تا ده سال بهیچوجه من الوجوه بانک بان خط فایده نخواهد داد برای اینکه ملک ثبت شده که ندارد پس در این ماده اگر چنانچه صلاح بدانید (یعنی اگر خط شمال منظور نظر هست) باید بنویسید املاکی که مالکیت تقاضا کننده محرز و مورد تصدیق باشد این يك اشکال و اشکالات دیگر هم دارد مثلاً در ماده یازدهم (یکی یکی را حالا بنده عرض میکنم) میگوید تعهدات استقراض کننده بشرح ذیل باید در قرارداد تصریح شود: الف - قبول اینکه هرگاه در موعد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سالیانه یا قسط استهلاک تأدیه نماید نپردازد بانک حق دارد بمدیون اخطار نماید که اگر در ظرف یکماه منافع یا قسط مقرر پرداخت نشود دین مؤجل او حال شده و کلیه وجه استقراضی و منافع فوراً قابل استرداد میشود ممکن است در همین موقع زراعت

او اصلاً عمل نیامده باشد استقراض کننده که باید زراعت عمل بیورد و اجرت المثل بدهد ابتدا آن زراعت بعمل نیاید و آنوقت آن دین مؤجل او حال میشود و او اجازه فروش دارد و میتواند با متخصص خودش که قیمت میکند ببرد بفروشد و مهلت شش ماهه یا یکماه کفاف میکند برای اینکه یکسال طول خواهد کشید زراعت دیگر عمل بیورد پس این اصلاً خوب نیست زراعت يك سال طول دارد و اگر زراعت پاییز تمد شده هم بدهکاره پنجهزار تومان یا دو هزار تومان بیانات بدهکاره و اصلاً زراعت من عمل نیامد چکار کنیم اگر احتیاج نداشته چرا قرض میکرده برای آنکه مالکین دو طبقه اند يك طبقه اولند و يك طبقه دوه (و طبقه خرده مالک هم همین طبقه دوه است) طبقه درجه اول حالا محتاج بقرض نیست آنها در مرکزند و بهیچوجه محتاج بقرض نیستند بلکه آنها تمیذند ملک اجراض ملاحظه چه چیز است يك ملک خدا داده دارند و زراعت زحمت میکشد و میخورند پس فلاح و خرده مالک احتیاج استقراض دارد ملک کل که استقراض میکنند پس او میداند ملکش را کجاست و میتواند زراعت میکند و اینها هیچ عمل نمیاید چنانچه خیلی اتفاق افتاده است در مازندران پنبه هیچ عمل نمیاید یا سرخ در سامه ای خشکسالی هیچ عمل نمی آید آنوقت چه بکنند این دین مؤجل او هم حال خواهد شد و يك ماه هم بیشتر مهلت ندارد آنوقت ملکش از بین میرود این یکی یکی دیگر این که پنبه در مازندران هر جریبی سی تومان خرج دارد خود بنده فلاح رعینم هر که مراضه دارد بگوید ثبت میکنم پنبه هر جریبی سی تومان خرج دارد يك جریب پنبه وقتی که تخم آنرا بطرز امر بلدانی بکاریم ۷۰ الی ۸۰ بوط پنبه دارد اگر مالک خودش این قدرت را داشته باشد که دو هزار تومان یا سه هزار تومان پنجهزار تومان بدهد برای مخارج نیشکر در مازندران هر فقیری هفتاد تومان (و هر ده فقیر يك جریب است) خرج دارد و وقتی که نیشکر بکارند يك جریب ده هزار ذرع مضروب هزار و پانصد من نیشکر

میدهد و آنوقت دوست و پنجه تومان میدهد تومن مخارج دارد ولی کی بخرد این نیشکر را تومن باید دولت يك کار خانه نقد سازی و نیشکر بیورد در يك مرکزی در عی آباد و اعلان بکند که من نیشکر را میخرم تا زارع بکارند ما نصف تلف این جور است يك کشتی است که ما سالهای سال آنجا داریم برای رشتن در خانه ها است و از تمام زمین دوست عمل کنند برای اجناس و اجناس درست میکنند این بنده متجان زده و در هر جریبی هزار و چهار صد تومان تلف عمل میاید معترضی که در بطرز خوبی درست دانند و آن گوی درست است اما پس باید دولت کارخانهجات دستی را آنجا بیورد و برآورد کند و آن کارخانهجات گوی بانی را بدهند یعنی در مازندران که گوی بانی بکنند و غیر از این تمامه ندارد توتون جریبی هفتاد تومان خرج دارد و يك جریب توتون هفتاد تومان خرجش میشود سی بوط ۲۵۰ بوط خمس میاید اما این باید اقلاً ضمیمه شده باشد که توتون بکارند که وقتی که توتون کشت بکنند ص اساس این است همچنین سایر چیزها و غیر از اینها عیوبانی دیگر هم در بین لایحه است که اصلاً جدوی آردی را می بکنند و دیگر کسی زراعت نمیکنند امروز بنده و عمره و باید مشغول فلاح هستم بهم شرارت میکنند و فلاحت ملاحظه و عدالت هر از باید بکار بیع شرط میکنند بدون این شرط که در اینجا هست ولی وقتی که این لایحه بگذرد باید این قیود و شروط را بنده دیگر بخرد و سرز مرده نخواهد داد پس اول باید بیع شرط این را صلاح کرد و بنده در تمامه مراد نظریاتی که دارم خواهم گفت و مخالفت های خود را میکنم و رای هم ندارم

**وزیر امور خارجه (آقای فیروغی) -** بعضی از

فرمایشات آقای مربوط بود به مراد و جزاء و مربوط به کلیات نبود و بنده آنها را جواب نمیدهم مثلاً مسئله ثبت اسناد مربوط است بنده ششم ام، بطور کلی بنده اینجا میخواهم عرض کنم و یقین دارم که این مسئله ممکن است بذهن آقایان بیاید و اینجا مذاکره شود که

شاید اگر بنده اینجا عرض کنم بکفداری مذاکرات را کوتاه تر بکنند و آن این است که باید متوجه باشیم که این بانک فلاحی برای چه تأسیس میشود منتهمی بکفداری غور میخورد البته در بادی نظر گرفته میشود که بانک فلاحی تأسیس میشود از برای اینکه فلاح را توسعه بدهد و بفلاحین دستگیری کند ولی به بینم بانک فلاحی یعنی چه آیا یک بانکی است از برای دستگیری فلاحین اگر این باشد نظر آقایان بنده عرض میکنم دولت که این قانون را پیشنهاد میکند نضرش این نیست و عقیده نداریم و جدیت هم خواهیم کرد که هر یک از آقایان که این نظر را داشته باشند از آن عقیده منصرف شوند. این بانک از برای کمک و دستگیری فلاحین و زارعین نیست برای ترقی فلاح است و راهش را هم ما اینطور تصور کردیم که اینطور اینجا بدش نهاد کنیم اگر میخواستیم به فلاحین یا رعایا یا مالکین دستگیری کنیم قید نمیکردیم که هر کس نیشکر یا چغندر یا برشم یا فلان یا فلان چیز کاشت خیلی فلاح و رعیت در این مملکت است و اکثر اهل مملکت فلاحند و اکثرشان هم شاید احتیاج بدستگیری دارند اما این را ماسانیتوانیم و دولت هم از عهده این برنمیآید که دستگیری از کلیه دهاقین و فلاحین و رعایا بکنند این برای این است که فلاح را مایندازیم در یک رشته هائی که برای این مملکت بیشتر فایده دارد و الا هر کس گندم میکارد محتاج بیول است برنج هم میکارد محتاج بیول است جو هم که میکارد محتاج به پول است خیلی داریم از رعایا که وقتی میخواهند گندم بکارند برای برنج محتاج بیول هستند ولی این بانک برای این چیزها تشکیل نمیشود این بانک تشکیل میشود برای هر کسی که میخواهد زراعت این مملکت را ترقی بدهد یعنی جنس بدرامبد کند بجنس خوب جنسی را که نداریم یا محتاج هستیم و فایده دارد آنرا ایجاد بکنند میفرمائید نیشکر اگر بخوایم بکاریم اول باید کار خانه قند داشته باشیم البته اینطور است و مسلم است امروز اگر چنانچه یک مالک مازندرانی برود به بانک فلاحی بگوید که بمن پول قرض

بدهید برای اینکه نیشکر بکارم مطمئن باشید که بانک فلاحی باو قرض نخواهد داد بجهت اینکه بانک باو خواهد گفت که نیشکر را میخواهی بکاری که چکار کنی اگر او عقلش آنقدر کم باشد که بمجرد اینکه نوشتند در قانون بانک فلاحی که برای نیشکر کاری قرض میدهیم آن ملاک بدون اینکه فکر کند که نیشکر را وقتی کاشت چکارش بکند برود به بانک بگوید که بمن پول قرض بده نیشکر بکارم بانک آنقدر عقلش میرسد که باو بگوید نیشکر کاشتن حالا فایده ندارد صبر کن امروز که کار خانه قند درست کردند آنوقت این کار را بکن این کلمه نیشکر را هم که ما اینجا گذاردیم از برای این است که فردا که کار خانه قند در مازندران تأسیس میشود بعد از آنکه ما مطالعه کردیم و دیدیم نیشکر در مازندران بطور خوبی عمل می آید آنوقت پول قرض میدهیم که بدانیم خوب عمل می آید و در تاریخ هم ما خوانده ایم که در خوزستان نیشکر بعمل می آمده است و خیلی هم مصرف میشده است ولی امروزه با وضعیاتی که قند را از چغندر هم میگیرند باید امتحان کرد و به بینم نیشکری که کاشته میشود آن چغندر قند میدهد و وقتی که در کار خانه بردیم چند من قند در می آید و آنوقت با مقایسه با چغندر صرف دارد یا ندارد امروز که ما مطالعه کردیم (طن غالب این است) که نتیجه مطابقتان خوب در بیاید ولی امروز قبل از مطالعه میدانیم که چطور خواهد بود و وقتی که مطالعه کردیم و دیدیم که خوب است و دولت یا اهل سرمایه و تجارت این مملکت در صد این برآمدند که کار خانه نیشکر در مازندران یا خوزستان تأسیس کنند آنوقت که این کارخانه تأسیس شد آنوقت ما میرویم از صاحبان اراضی تقاضا میکنیم که بیایند نیشکر بکارید و بانک فلاحی هم حاضر خواهد بود برای کسی که محتاج سرمایه باشد و لازم داشته باشد پول بدهد پس باید این تقاضا را بکنیم که بکفداری

بیشتر تأمل فرمایند در این موضوع و مخصوصاً در این مسئله که آنرا من باید مکرر کنم و یقین دارم که باز هم محتاج خواهیم شد که مکرر عرض کنم این بانک از برای دستگیری بفلاحین و رعایا نیست حالا بانکهای دیگری اگر کارهائی بکنند آن امر دیگری است ولی این بانک از برای کمک کردن بشخصی است که مطابق منظور وزارت اقتصاد و دولت و مجلس شورای ملی فلاح و زراعت مملکت را رو به بهبودی ببورد و ترقی میدهد و آن راهش این است که اینجا نوشته شده بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس** - رأی میگیریم برود در شور مواد موافقین قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده ۱ - وزارت مالیه از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکییل سرمایه فلاحی بیابان ملی تأدیبه خواهد کرد

**رئیس** - آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - بنده عرض کرده خبیش تشکر میکنم از آمدن این لایحه و امیدوارم که دستگیری از فلاحین و زارعین بشود و موجب سعادت فلاحین و همه چیز شود اما بشرط اینکه مثل گذشته این سها نشود که فلاحین بیچاره زحمت کشیده اند و گندم را عمل آورده اند و روی دستشان مانده است و کسی ازشان نمیخورد و دولت هم اجازه نمیدهد که بکسی بفروشد و همینطور سرگردان مانده اند امیدوارم این قسم شود این را هم دوات مورد نظر خودش قرار بدهد که قول و فعلش با هم موافق باشد اینجا در این ماده اول نوشته است هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نباشد بنده عقیده ام اینست که برای این امری که در نظر گرفته اند بیشتر از اینها لازم است برای اینکه همه میدانید محتاج بتوضیح نیست صاحبان املاک هیچ فرق نمیکند مهندس تنگ شده اند بجهت اینکه متاعشان خریدار ندارد و غالباً از انجام کارهای فلاحی چه مالکین و چه زارعین

باز مانده اند امیدوارم که این لایحه و این بانک رفع سختی آنها را بکند اما چیزی که هست سالی پانصد هزار تومان بعقیده بنده کم است یک مملکت باین وسیعی و باین بزرگی امر فلاحش باین زیادی آنوقت سالی پانصد هزار تومان آهیم محدود است تا ده سال خیلی کم است بلکه بعقیده بنده اگر بشود سالی یک میلیون و تا بیست سال هم بشود که سال بسال افزوده شود به این سرمایه بانک که بلکه بتوانند یک کارهائی بکنند بلکه بوسیله این پول بتوانند چه هی ارتزین در بیاورند و اگر اشکال دارد محال نیست اگر ما خودمان را قابل ندانیم نمیدانم ولی محال نیست دیگران چه هی ارتزین که صد فرسخ در صد فرسخ آبادانی است در آورده اند و آنچه ها را آباد کرده اند در آنچه ها کیفیتی تشکیل داده اند این جا هم باید اقدام کنند و دولت هم مساعدت بکند و اسباب تشویق و رغبت فلاحین و رعایا را فراهم کند که آنها در صد ترویج فلاح و خودشان در صد تزیید فلاح خودشان بریبند و چه هی ارتزین در بیابان ملک های بیابان را دگر کنند چیز هائی که برای صد دولت مملکت نفع است بیفزایند و چیزهائی که برای احتیاج داخلی است بیفزایند تا مملکت رو به صلاح و فلاح و ترقی برود و الا اگر چندینچه مثل سابق نخواهیم بنام بگذرانیم کار رو به خرابی خواهد رفت امیدوارم که دولت بکفداری مبلغ را زیاد تر بکند اگر میتواند سالی یک میلیون و اگر هم میتواند مدتش را ۲۰ سال قرار بدهد

**وزیر امور خارجه** - بنده گمان میکنم دولت الحمدلله بوعده های خودش وفا کرده است و قول و فعلش منطبق بوده اما در خصوص این که میفرمائید این کم است البته هر چه بیشتر بهتر ولی باید توجه کرده باین که این کار را دولت میکند و عاید دولت محدود است البته آقا مثل بعضی مردم یعنی بسیاری از مردم نیستند که تصور کنند که دولت یک گنج بادآوری دارد و یک جائی دارد که هر قدر پول میخواهد دست میکند و بر میدارد

و خرج میکند و هیچ تمام نمی شود و همیشه مثل اول باقی است بنده چون مبتلا هستم میدانم تصور و انتظار مردم اینطور است ولی آقا خودتان میدانید اینطور نیست دولت يك مقدار محدودی استطاعت و قدرت دارد مخارج هم زیاد دارد مخارج دیگر را هم اگر چه تصور میکنم که آقا مخارج اقتصادی را لازم تر میدانند بر مخارج دیگر ولی اینطور نیست يك مخارج ضروری دیگری هم دولت دارد، مخارج قشونی، مخارج نظامیه، عدلیه روابط خارجه اینها يك چیز هائی است که کردن گیر دولت است بنده هم خیلی دلم می سوزد از این که ما باید يك میلیون خرج وزارت خارجه بکنیم با وجود اینکه من خودم وزیر امور خارجه هستم ولی صمیمانه خیلی متأسفم که ما مجبوریم يك میلیون خرج وزارت امور خارجه بکنیم اما خوب چه بکنیم این يك خرجی است که لازم است و يك دولتی است که روابط خارجه دارد و مجبور است از برای حفظ روابط خودش این مخارج را بکند قشون هم لازم داریم و بنده خیلی آرزویم این است که يك روزی باشد که هیچ قشون لازم نداشته باشیم اما نمیشود همچو چیزی از برای حفظ مملکت از برای حفظ امنیت قشون لازم داریم چه بکنیم اگر این مخارج ضروری را نداشته باشیم آنوقت اصلاً دولت تشکیل نمیشود و اگر هم تشکیل میشد البته هر چه داشتیم و میتوانستیم خرج اقتصادیات میکردیم ولی حالا که آن مخارج ضروری را داریم باز دولت خیلی هنر میکند که يك مقداری از سرمایه و مخارج خودش را صرف اقتصادیات میکند امروز هم طوری پیش آمده است که عایدی را، دارائی را که دولت میخواهد صرف اقتصادیات بکند تمام آنرا نمیتواند صرف بانک ملی بکند يك کار های دیگری هم دارد خودتان ملاحظه بفرمائید امسال يك میلیون و نیم از برای اقتصادیات مملکت اختصاص داده شده است نیم میلیون را اختصاص دادیم از برای بانک ملی و بیشتر از این نمیتوانیم و يك نکته دیگری را هم اینجا باید توجه بفرمائید و آن این است که گفته

شده است وجهی که کمتر از پانصد هزار تومان نباشد اگر چنانچه امسال را بنده میدانم که بیشتر از پانصد هزار تومان نمیشود ولی امیدواریم که در سال دیگر اگر اوضاع مالی دولت و مخارج مملکت طوری باشد شاید بتوانیم بیش از پانصد هزار تومان بدهیم و البته خواهیم داد و اینهم که فرمودید که بیشتر از ده سال باشد خوب حالا عجلتاً ده سال را مقرر بفرمائید که تا ده سال محرز بشود بعد از ده سال اگر باز لازم شد اضافه کنیم مدت را اضافه میکنیم. يك نکته دیگری را که باز میخواستم این جا عرض کنم این است که بالاخره تمام اقدامات دولت در اقتصادیات اقداماتی است که اقتصاد مملکت را آتوری که ما میخواهیم نخواهد کرد اقتصاد مملکت آتوری که شما میخواهید وقتی درست میشود که مردم بکنند تا مردم که پانزده میلیون یا بیست میلیون یا ده میلیون هستند نکنند يك دولتی که اینهمه مخارج ضروری دارد و اصلاً و اساساً کارش تجارت نیست او نمیتواند و نباید در اقتصادیات خرج بکند این کار هائی که ما می کنیم چون ما می بینیم که مردم نمیدانند میکنیم (کازرونی - تشویق) بله برای تشویق و نموده است که ما میکنیم و الا بانک فلاحی را مردم باید تاسیس بکنند و این کار هائی که ما میکنیم برای تشویق و برای راهمائی میکنیم و الا مردم باید شرکت تشکیل بدهند چرا دولت باید کار خانه بسازد کارخانه ساختن که کار دولت نیست ما امروز کار خانه قند میسازیم اما این را عرض کنم که با يك کارخانه قندی که دولت میسازد احتیاج این مملکت رفع نمی شود چندین کار خانه قند از این قسم کارخانه که ما امروز خیال داریم بسازیم این مملکت لازم دارد و باید مردم بآن اقدام کنند ما خیالمان این است که امروز يك کار خانه قند بسازیم و باقی آنرا دیگران همچنین سمت و سایر چیز ها آقا یک قدری باید مردم را نصیحت کرد و تشویق کرد و اینها راهمائی است اما بالاخره اقتصادیات و کارهای اقتصادی مملکت را مردم باید بکنند (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**رئیس -** پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده اول قبل از کلمه فلاحی اضافه شود (کلمه بانک)

**رئیس -** ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن باریاب فلاحی با اسم شعبه فلاحی تاسیس خواهد شد.

محاسبات شعبه مذکوره جداگانه و مستقل از سایر محاسبات بانک ملی خواهد بود.

**رئیس -** آقای کازرونی

**کازرونی -** بنده زائد میدانم که عرض کنم از قدمه های فوق العاده خوب و مؤثر دولت این است و البته قابل تقدیس و تقدیر است که دولت آنچه را که وعده داده است از قول بفعل می آورد و امیدواریم که موفق بشود که این نیات خیریه خودش را توسعه بدهد و مردم هم استفاده های بسیار خوب بکنند و عرض بنده بعنوان مخالفت این است که می خواهم ببینم این شعبه که در مرکز دائر میشود آیا شامل حال ایالات و ولایات هم خواهد بود یا اینکه منحصر بمرکز است؛ البته آقا تصدیق می فرمائید که عمده زارعین و مالکین در ولایات و ایالاتند و کسانی که در طهرانند غالباً و منحصراً اشخاصی هستند که باشخاصی دیگر املاکشان را اجاره میدهند و دسترخی آنها را یا اینکه نتیجه حاصل آن ملک را میگیرند و در این جا مصرف می کنند و اوقاتشان را غالباً ببطالت می گذرانند - زارع و فلاح غالباً اشخاصی هستند که خودشان شخصاً در عمل زراعت شرکت دارند. عمده و اهم تقویت باید از آنها بشود مخصوصاً زارعینی که در سرحدات مملکت نشسته اند که اگر این تقویت بطوریکه حضرت اشرف آقای وزیر وعده فرمودند برای تشویق این باید سرحدات را تشویق کنند که صادرات مملکت را زیادتر کرده

باشد بنده میخواهم اطمینان بدهم که این بانک فلاحی منحصر بمرکز نیست بلکه هر استفاده که مرکز می تواند بکند ایالات و ولایات هم خواهند توانست.

**کفیل وزارت اقتصاد ملی -** همینطوری است که میفرمائید آقا ملاحظه بفرمائید اینجا که نوشته شده است مقید نکرده است شعب بانک هم البته بسته باستطاعت و بسته بتوسعه است که در کارها پیدا میشود همینطور که بانک ملی روز اول که دائر شد در مرکز بود ولی تدریجاً در ولایات هم شعب پیدا کرد و حالا در عده از ولایات بانک ملی شعب دارد بانک فلاحی هم که فعلاً جزو بانک ملی است هنوز که مستقل نشده مستقل شدنش وقتی است که سرمایه اش میرسد بمیزانی که بتواند مستقل بشود و آنوقت البته مستقل که شد شعبش هم در ولایات تکمیل میشود.

**رئیس -** ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکوره در فوق بندازده توسعه پیدا کند تبدیل آن بیک بانک مستقل مقتضی شود اداره بانک ملی با موافقت هیئت نظارت بانک و تصویب هیئت دولت باین امر اقدام خواهد کرد.

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب -** در این جا - حالا بنده اجازه می خواهم و همین جور از آقای وزیر اقتصاد که فرمایشی فرمودند بن قانونی که از برای تاسیس بانک ملی در دوره ششم گذشت آن فرمایش شان بسند با این وفق بدهد چون هر مسئله که در مجلس تصویب میشود وقتی که قانون يك ابهامی داشته باشد وزیر یا مخبر کدیسون وقتی صحبت می دارند آن قسمت مبهم آن قانون را واضح می کنند و همین است آقای وزیر فرمودند که تاسیس شعبه فلاحی معلوم میشود که عنوان بانک فلاحی هم نیست و تاسیس شعبه فلاحی است چنانکه در ماده اول هم هست تاسیس شعبه فلاحی است نه از برای همراهی فلاحین بلکه از برای زیاد کردن و ترقی صادرات است در صورتیکه مطابق قانون اجازه تاسیس

بانک ملی ایران عبارت این است که برای پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت دولت مکلف است بانکی موسوم ببانک ملی ایران تاسیس نماید پس این جا در واقع دولت عمل کرده است بقانونی که در دوره ششم دولت را مکلف کرده بود بتاسیس بانک ملی . بحمدالله دولت ما هم موفق شد و بانک ملی را تاسیس کرد . - بانک ملی که تاسیس شد در آن تاسیس بانک فلاحتی از برای چه بود؟ از برای فلاحت بود و مساماً معنای فلاحت هم همراهی کردن با فلاحتین است فلاحتین ما بیچاره اند و پول ندارند و محتاج هستند باینکه شعبه فلاحت تشکیل شود در خوزستان در ساحل بحر خزر در همه جا آنوقت تقویت بشوند معذلت آقای وزیر فرمودند که تاسیس این شعبه برای این نیست بنده از اینجهت یکقدری نگرانی پیدا کرده مگر اینکه توضیح بدهند که نه و اینکه دولت در نظر دارد هم برای ترقی صادرات و هم کمک کردن بزراعتین است وقتی که دولت این را صحبت بدارد همینجور که یکنفر از نمایندگان ( آقای هزار جریبی ) اظهار کرد فردا يك پولدار باین فلاحتین پول نخواهد داد در صورتیکه اگر اینطور باشد این رقابتی ایجاد میکند که اگر پولداری در مملکت پیدا شود بیاید پول بآنها بدهد و از آنها تقویت بشود بنده عرض میکنم که دولت از برای ایجاد این حس باید اینکار را بکند که سرمایه داران اگر پولدارند بیرون بیآورند والا دولت تاسیس شعبه فلاحتی کرده است برای چه؟ و خوبست توضیح بدهند آقای وزیر اقتصاد که اولاً و بالذات نظر اینست که تاسیس بانک فلاحتی کرده باشیم دنیا و بالعرض برای همراهی کردن با فلاحتین است موضوع دیگر که خواستم توضیح داده شود و جایش در ماده اول بود ولی چون نظر به پیشرفت کار دولت است اگر خارج از موضوع هم شدم امید وارم به بخشند بعد هم نظر باین است که آیا نمیدانم خود دولت تعبیر کرده بود همین جور که در مقدمه قانون نوشته شده است راجع بتاسیس بانک فلاحتی از این نقطه نظر که لایحه

دولت تاسیس بانک فلاحتی بود بنده هم پیشنهاد کردم قبل از کلمه سرمایه فلاحتی نوشته شود سرمایه بانک فلاحتی ولی از این ماده دوه و سوم معلوم میشود نظر بانک فلاحتی نیست نظر این است که بانک ملی ما دارای شعبی بشود شعبه فلاحتی داشته باشد شعبه تجارتی داشته باشد شعبه صنعتی داشته باشد این یکی از شعبی است که در بانک ملی است بانک ملی دارای شعب متعدد است و امسال بحمدالله موفق میشویم بهمت آقای وزیر امور خارجه که کفیل اقتصاد هم هست شعبه بانک فلاحتی را تشکیل میدهد بعد شعبات دیگر را هم متدرجاً اگر اینطور است پس عنوان بعد اگر قانون راجع بتاسیس بانک فلاحتی است این معنی ندارد راجع به تاسیس شعبه فلاحتی بانک ملی باید باشد

**کفیل وزارت اقتصاد ملی** - اما در قسمت اول فرمایشاتین که فرمودید راجع به رعایت البتة دولت باید در نظر داشته باشد که همراهی بکند با فلاحتین عرضی را که بنده کرده میدانستم که درست مورد توجه نخواهد شد عرض کرده از برای دستگیری به فلاحتین و رعایت و مالکین ما بانک تاسیس نمی کنیم چرا؟ برای اینکه ما در نظر نداریم که فلان رعیت و فلان مالک فقیر است و ما از او دستگیری کنیم این نیست منظور ما منظور ما اینست که اشخاصی از مالک و رعیت و فلاحت که يك خیالاتی داشته باشند در ترقی دادن فلاحت جنس بد را تبدیل بجنس خوب کردن جنس غیر مرغوب خود را تبدیل بجنس مرغوب بکنند موجبات ترقی فلاحت مملکت را فراهم بکنند و سرمایه آنها را کم باشد یا هیچ باشد آنوقت این بانک از برای این تاسیس میشود که بانها کمک بکند و الا اگر شما نگاه بکنید اکثر مردم این مملکت محتاجند و این بانک برای این نیست عرض کرده که کمک بکند که فلاحتین ما پول دار بشوند فلاحتین ما پولدار میشوند در صورتیکه آن خیالاتی را که ما در نظر داریم از برای فلاحت و زراعت آنها را عمل کنند

در نظر بگیرند آنوقت البته مرده پولدار میشوند و البته به تبع آنها مملکت هم متمول میشود این قسمت اول فرمایشات آقا و اما اینکه فرمودید بانک فلاحتی اگر توجه بماده سوم کرده بودید این اعتراض خودتان مرتفع میشد امروز که فقط دولت پانصد هزار تومان سرمایه میگذارد از برای بانک فلاحتی این پانصد هزار تومان گنجایش و اقتضای این را ندارد که يك بانک مستقلی ما درست کنیم باسم بانک فلاحتی و يك مخارجی را و يك اداره و ترتیباتی را متحمل شویم این را فعلاً يك شعبه از کارهای بانک ملی قرار میدهیم اما يك شعبه مستقل داخل نمی کنیم البته تا امروز هم این بانک ملی که بوده است مانعی نداشته است از اینکه بفلاح و مالک و رعیت قرض بدهد ممکن است شاید هم داده باشد اما این مخصوصاً تاسیس میشود يك شعبه مستقلی بجهت قرض دادن ارباب فلاحت . امروز يك بانک مستقلی نخواهد بود اسمش بانک فلاحتی نخواهد بود و اسمش شعبه بانک ملی است که انشاء الله وقتیکه هم سرمایه که دولت باو داده است زیاد شد و هم عمدهای خود او توسعه پیدا کرد که مستقل بشود آنوقت میشود بانک فلاحتی بهمین دلیل هم آن پیشنهادی هم که در ماده دوه فرمودید مورد نداشت و اگر محل مذاکره می شد بنده همین جواب را میداده و از آن طرف تناقض هم معاین این موادی که این جا هست با عنوان این لایحه وجود ندارد برای اینکه بحال مقصود تاسیس فلاحتی بود ولی عملاً يك شعبه فلاحتی در بانک ملی تاسیس میشود .

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**رئیس** - ماده چهارم قرائت میشود :  
 ماده چهارم - شعبه فلاحتی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل :  
 ۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه ( تنقیه قنوات

موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود )  
 ۲ - برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای - پنبه - نایل - روغن - بریشم - کتف - نی شکر - توتون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنها در منطقه که ملك استقرار کنند در آنجا واقع است لازم بدانند  
**رئیس** - آقای کیه

**کیانوری** - عرض کنیم در این قسمت اول از برای قنوتی که خشک شده یا قنوات جدید الاحداث است ولی قسم سوم را علاوه بر اینکه تصریح نکرده است نفی هم کرده و آن این است که يك مملکتی دارای سه چهار قنات باشد و اینها آبش باندازه کم شده باشد که هیچ احتیاجش را رفع نمیکند پنج سنک آب داشته حالا منحصر به پنج سیر شده و علاوه بر اینکه مواردی که احتیاج عمومی است وارد نگردد اند این استثناء را هم کرده اند تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود بنده میخواستم تقصراً کنیم این قسم سوم را هم داخل کنند و قسمت بین ایالتین را بر دارند

**کفیل وزارت اقتصاد ملی** - این قسمت هم مطابق عرایضی که سابقاً کرده مقصود این نیست که هر کس قناتی دارد آبش کم است و میخواهد آبش را زیاد بکند بیاید از بانک فلاحتی پول بگیرد سرمایه بانک ملی هم عجلتاً این کار کیفیت نمیکند مقصود این است که کارهای لازم تر بکنند مملکتی که هیچ قنات ندارد یا آن مملکتی که قناتش بر اثر حوادث بکلی از بین رفته که مالک نمیتواند از عهده بر بیاید و درست کند یا اینکه آبهای تازه و وسیله دیگری مثل چه آرتزین که آقا فرمودند بخواهد درست کند یا سد بستن برای رودخانه باشد و الاندیک قناتی دارد که دو سنک آب دارد دلم میخواهد سه سنک یا دو سنک و نیم بشود این در مملکت هزارها است برای اینکار نیست  
**رئیس** - آقای مؤبد احمدی



**مؤید احمدی** - بنده قبل از ورود در موضوع نمیتوانم از یک موضوع صرف نظر کنم و امروز صبح مخصوصاً با آقای دشتی صحبت میکردیم که از ۳۲۴ قمری که ممالک ایران مشروطه شد مرا نامه های مختلفی حساسین و وطن پرستان ایران نوشتند و احزاب مختلفه تشکیل دادند و در تمام آن مرا نامه ها نوشته شده بود قانون نظام وظیفه تاسیس بانک فلاحی و منع مالیات بر عایدات الغاء کابینه و لاسیون و از این قبیل چیزها و نامه اینها در این سنوات از قوه به فعل نیامده و فقط روی کاغذ آمده بود و ما خیلی خوشوقتیم و باید تشکر کنیم که از وقت طلوع کوکب اعلی حضرت پهلوی نامه این مواد بموقع عمل و اجرا در آمد (صحیح است) و امروز لایحه اصلاح بانک فلاحی به مجلس آمده و حقیقه باید همه وضع پرستان و همه آزادی خواهان و همه اشخاصی که علاقه به این ممالک دارند تشکر کنند ولی البته این لایحه را نباید جوری نوشت که بعضی از مردم که بیشتر محل احتیاجشان است محروم بمانند مثلاً در این شق اول ماده چهارم اختصاص داده شده است پول قرض دادن به دو جور مردم یکی برای ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یکی هم برای احداث قنات جدید لکن چون کرمان یکی از ایالتی است که مثل خراسان و یزد دارای قنات زیاد است و احتیاجات آنها را ما بهتر می دانیم مثلاً در چند سال قبل از این در کرمان براندگی زیادی شد و یک سیل آمد و قنات آنها هم البته بعرض آقایان رسیده است از چهارده فرسخ است تا پنج فرسخ و این قنات را سیل پر کرد و اغلب اشخاصی که متمول بودند و تمکن داشتند حتی خودشان را خرج کردند و توانستند و لکن بعضی هم نتوانستند بعضی جاها هست که بواسطه آن سیل که میریزد خشک نمی کند آنها خراب می کند و قناتی که پنج سنک آب دارد در اثر سیل یا در اثر یک حادثه دیگر آبش میرسد بیک سنک البته این یک مبلغی خرج لازم دارد که باز پنج سنک آب را بیاورد و اینماده بکلی

آن را محروم کرده است و اغلب محل احتیاج آنها است و با آمده است یک مبلغی خرج کرده است یک قدری آب جاری شده ولی بقیه آب جاری نشده و همین طور که آقای کیا فرمودند بعقیده بنده اگر آن شق اول باطلان و اگذار شود شامل این قسمت هم می شود ولی یک پراگندگی باز کرده بیک مخصوصی برخورد کرده که این عموم را می برد از بین و عقیده بنده این است که اصلاً این پراگندگی حذف شود و ماده بطلاق خودش و اگذارده بشود که آنها هم استفاده کنند این است که برای همین پیشنهاد حذف آن پراگندگی را عرض کرده ام.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**بروجردی** - بنده مخالفم.

**مخبر** - بطوریکه فرمودند نظر دولت و نظر کمیسیون این بود که بانک فلاحی مخصوصاً برای یک کارهای تازه که ما نداریم اختصاص داده شود ولی البته ما اگر بولمان کافی بود و از پانصد هزار تومان اگر یک مبلغ خیلی بیشتری بود اشکالی نداشت که در این منظور هم یک کمک هایی کرده شود ولی تصدیق فرمائید که مبلغمان خیلی محدود است پانصد هزار تومان است اگر ما بخواهیم این روزنه را باز کنیم که مثلاً در کرمان سیل آمده است و چند قنات را خراب کرده است خوب اگر خشک شده اند که مشمول این قانون خواهد بود و اگر خیر آبی هم از آنها جاری است اینها را هم اگر بخواهیم اجازه بدهیم و موافقت بکنیم تصدیق فرمائید که این پول بدرد هیچیک از کارهایی که منظور دولت و منظور مجلس است نخواهد خورد بنده خیال می کنم که در این قسمت باید بهمین ترتیبی که دولت لایحه را تنظیم کرده موافقت بشود بعد بگذاریم این کار بجزریان بیفتد در ضمن عمل البته خود دولت خود بانک که منظور توسعه زراعت و فلاح است در صورتیکه لازم بداند اشکالی ندارد که یک پیشنهاداتی بکند و این قانون را اصلاح بکند - بعلاوه اینج در آخر ماده که راجع بحنا که فرمودید بنده خدمتشان عرض کردم

فرمودند که اشکالی ندارد از اینکه پیشنهاد فرمائید و ما مطالعه میکنیم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**بروجردی** - بنده مخالفم

**رئیس** - آقا جماعتی باقی مانده اند اگر بنا بشود کافی نباشد. آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - بنده اینجا عرض میکنم آن نظر صحیحی را که میفرمائید اگر بنا بشود، توسعه بدهیم که تمام قناتی را که خشک شده است از این مبلغ پانصد هزار تومان سال اول یا از پانصد هزار تومان سال بعدش بدهند میشود از همین نظر بود که بنده از اول عرض کرده که این مبلغ از برای این منظور عالی است اما خوب است اینجا اختیار را یک اداره بدست مصادیقین این بانک قرار بدهید اگر جایی لازم دانستند که مساعدتی با صاحب قنات بشود بکنند اگر یک قناتی دارای ده سنک آب بوده است و حالا رسیده است بیک سنک و اگر صد تومان خرج کند آبش در میآید اینجا مساعدت بکنند و اگر اینطریق نیست نکنند بنده باین نظر عقیده ام این است که اختیار در دست بانک باشد که هر جا صلاح دانست بتصدیق مصادیقین و مجربین خودش برای تقویه قنات هم مساعدت کنند و هر جا صلاح ندانست نکنند در اینکه مطلقاً نشود بنده موافق نیستم و اینجا هم در آخر ماده میگوید در منطقه که ملک استقرارش کنند در آن جا واقع است لازم بداند لفظ لازم بداند را صلاح بداند بکند بهتر است بعقیده بنده بهتر و شاملتر است این عقیده بنده است در این ماده

**رئیس** - آقای بروجردی

**بروجردی** - عرض بنده در این ماده که راجع بمصارف است عرض کنم مصرف اصلی مصرف دائر کردن املاک مخروبه است و این البته در وهله اول مقدمه است بر سایر چیزها یک آبادی دائر است برای مصرف چای کاری یا بنه کاری دولت از آن وجه بانک باو اختصاص میدهد. نقاطی که بهیچوجه دائر نیستند و مالکین شان از عهده

دائر کردن آن املاک بر نمی آید یک قسمت از این املاک املاک خره آباد است (دولت شاهی - و کلیه یگان) و گردستن و سایر نقاط دیگر و همه جا بنده چون از این نقطه بصیرت دارم عرض میکنم البته وقتی هیچ رعیت ندارند هیچ سکنه ندارند بعقیده بنده در اول وهله این مقدمه است آنها محلی بوده اند تماماً مخروبه و با توجهت دولت و عطف توجه اعلی حضرت پهلوی امروزه اعانت پیدا کرده اند ولی تمام مخروبه و در حیرت افتاده و بعقیده بنده مقدمه بر مصارف زمین آبدی و مساعدت بکنند است پیشنهادی هم در این موضوع عرض کرده ام

**مخبر کمیسیون** - بطوریکه عرض شد منظور همان بود که آقای توضیح فرمودند نظر بالاخره آبدی و ممانت خراب را باید در دست منظور همان است که در لایحه توضیح شده برای ایجاد یک صد تری است که ما نداریم یعنی اگر هم داریم رساندن را نداریم که این را تکمیل کنیم آبدی خره آباد که اشاره فرمودند بطوریکه حاضر آقای مسروق است دولت در این قسمت کومه نیامده مخصوصاً اشراف ببرند و چون دیدند عرض میآید خره آباد یا لرستان آن روز را نمیشود با امروز تطبیق کرد و مصارفی که شده است در قسمت عمرانی لرستان آبدی های زیادی شده است و تصور میآید که این ترتیب منظور حضرتعالی هم همین و عملی شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس** - پیشنهادت قرائت میشود:

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم در فقره ۲ ماده ۴ محصول حنا علاوه شود.

پیشنهاد آقای ددتر ظاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمته پیشنهاد میشود قسمت (۱) در ماده چهار اینطور اصلاح شود: ۱ - برای دائر ساختن قناتی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه یا پیش

بردن فتوایی که آب آن نسبت بسابق کم شده تا آخر .

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم توضیحی که در عبارات بین برانقر و فقره اول در ماده ۴ نوشته شده است حذف شود

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست مجلس دامت عظمته پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده چهارم اضافه شود:

تبصره - برای اشخاصیکه بخواهند اراضی موات را احیاء کنند و دارای وثیقه و علاقه ملکیتی نباشند بابت میتوانند بضامات اشخاص معتبر و یا بوثیقه اموال منقولی قرض بدهد

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محترم دامت شوکتہ پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۴ بطریق ذیل اصلاح شود:

(۱) برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث و یا عدم بضاعت مالک خشک شده و یا نو کار برای بدست آوردن آب تازه لازم بشود (تنقیه فتوات دائر جزو بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده در ماده ۴ حذف لفظ (تنقیه فتوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود) پیشنهاد میکنم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم در قسمت دو از کلمه و هر نوع الی آخر حذف شود

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد مینمایم در بند چهارم از ماده ۲ پس از عبارت بسته و بادام علاوه شود و تغییر بندر های غیر مرغوب به بندر خوب و مرغوب و تبدیل جنس موالی

پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس دامت شوکتہ العالی بنده پیشنهاد مینمایم که مقصد اول ماده چهارم بطریق ذیل نوشته شود

ذیل نوشته شود

کاری کنیم که قوانین ما واضح باشد) بجای ربح نوشته شود حق الجماله که این حساب را حفظ کند ...  
حق الجماله محاسبات

**مخبر -** حق المضاربه بهتر است .

**آقا سید یعقوب -** شما آقای اعتبار همچو مصر نباشید و جدیت نداشته باشید ...

**مخبر -** اجرت المثل

**آقا سید یعقوب -** اجرت المثل نیست معنی ندارد حالا هر طوری که شما خواستید معین کنید چیزی که هست طرف

دخلس را معین کرده اند صدی چهارم و اکثر محتاج شد بالا تر برود صدی شش بشود اما طرف خرج همچو معین کرده است میگوید بآن اندازه که اقل ما بقنع در واقع آقای وزیر اقتصاد خوب اقتصاد را رعایت کرده است میخواهند اقتصاد را بلکه بکلمات ایجاد کنند ولی خیر بقدر اقل ما بقنع نظر ما این بود که در قانون

اگر ملاحظه بفرمائید ذکر میکردیم که صدی ده یا صدی پنجم بیشتر بر ندارد میزان را بر ندارد چون بکوفت از دست شما خارج میشود شما مخارج ضروری را در نظر

گرفتید بنده هم مخارج ضروری را میگویم چنانچه نظر آن هست راجع بمسئله حق الثبت همچنین در خرجی که آن

مستخدمین امریکائی صدی هشت گفتند بعد تحقیق کردیم دیدیم صدی هشت محتاج نیستیم صدی دو کردیم اگر این را در

نظر میگیرفتید همینطور که منافعش را در نظر گرفتید مخارجش را هم در نظر میگیرفتید که محدود میشد بهتر بود حالا میفرماید بند ما

اطمینان داریم بیانک و در واقع نظارت هم داریم بنده عرضی ندارم

**مخبر -** در آن قسمت که آقای آقا سید یعقوب اشاره فرمودند بنده عرض کردم اشکالی ندارد ممکن است پیشنهاد

بفرمائید در کمیسیون مذاکره میکنیم یک عبارتی که منظور نظر آقا باشد میگذاریم و در قسمت دیگر بنده خیال

میکنم که اگر حضرتعالی توجه بفرمائید این نگرانی مرتفع میشود برای اینکه بانک فلاحی این پولی که میگیرد صدی

شش این فقط یگانه محلی است که برای مخارج او در نظر گرفته شده پول دیگری ندارد که از آنجا

او در نظر گرفته شده پول دیگری ندارد که از آنجا

بردارد و خرج کنند از سرمایه که نمیتواند خرج کند فقط محل خرجش آن منافعی است که بعنصوان ربح گرفته میشود بعنوان صدی چهارم یا صدی شش و بیشتر از این نیست اگر چنانچه بخواهد مخارج بیشتری پیدا کند نمیتواند از این مقدار تجاوز کند از این محل است

محل دیگر نخواهد داشت

**رئیس -** آقای یاسائی

**یاسائی -** عرض میشود طرز استفاده مستخدمین بانک ملی بالاخره بنده را ناچار کرده است که راجع

بطرز استفاده مستخدمین این بانک هم که بعد شاید استفاده بشود تذکراتی بدهم زیرا بعد ممکن است

متوجه شویم و خیال میکنم هر چه بیشتر جلوگیری شود بهتر است بانک ملی شروع کرده است با استفاده

اشخاص بدون هیچ شرط و قیدی ب یک حقوق گرانی و بالاخره عمده قریب خواهیم دید که از این بانک

چیزی نخواهد ماند بک اشخاصیکه اهلیت این کار را ندارند بک اشخاص بی سواد یا ماهی سیصد چهار صد

تومان حقوق اشخاص بی سوادی که دو رقم حساب بلد نیستند استفاده کرده است بالاخره این عقب

خوبی ندارد حالا بانک فلاحی را هم نوشته ایم که صدی چهارم را میتواند تا صدی شش بکند بالاخره ب این ترتیبی که

معمول به است ب توصیه هائی که برای پذیرفتن اشخاص میشود ب مستخدمین خارجی زیدی که آورده اند در این

مؤسسه بدون تصویب مجلس بالاخره در این مؤسسه یک روزی پشیمان میشوید یک روزی خواهد شد که

مجلس و دولت هر دو پشیمان میشوند . عادت دولت بر این شده است (بنده این جا صریحاً عرض می کنم) که

درب را باز میکنم که هر چه میبایست بشود میشود آنوقت بکمترتبه بیدار میشود و یک فشار های خارق

العاده باید بکشد مثل وضعیت حالا و هیئت تقمیشد و ارزاق ارزاق ماسال دراز درش باز بوده هر چه خواسته اند

کرده اند حالا بکمترتبه بیدار شده اند که شانزده هزار

کرده اند حالا بکمترتبه بیدار شده اند که شانزده هزار

خروار کسر دارد درست است در قانون جزا نوشته اند که هر که دزدی کرد دستش را ببرند ولی بنده که نباید در بخت خانه ام را باز نگذارم که توی قانون جزا نوشته اند که اگر يك کسی دزدی کرد با يك مقدمات و تشریفات این را ببرند حبس بکنند این رویه بعقیده بنده باید ترک شود در موقع عمل دولت باید بیشتر نظارت کند در موقع میبایستی در بارتاق را باز نگذارم که دزدی بشود که ما مجبور بشویم این قوانین سخت را وضع کنیم با يك فشار هائی که آیا چیزی ندارد بشود یا نشود (آقا سید یعقوب - صحیح است) بنده با نهایت عقیده که بشخص رئیس بانک ملی دارم و عقیده ام این است که بلی از متخصصینی است که واقعاً برای این مملکت معتبر است (صحیح است) (کدانی - خدی لایق است) و مطابق اخلاعاتی که پیدا کرده ایم لایق است معذک ما باید یک نظاماتی برای تشکیلات بانک ملی و فلاحی قائل شویم ما بهر يك از وزیران نهایت درجه اعتماد داریم ولی قانون محاکمه وزراء را وضع کردیم بهر مستخدم دولتی ما دامیکه يك سوء عملی از او کشف نشده است اطمینان داریم ولی هیچ مانع از این نیست که يك نظامنامه و قوانینی برای رعایت این قسمت ها وضع کنیم بنده يك پیشنهادی کرده ام بعنوان ماده الحاقیه که مجلس هم در این کار مداخله کند يك قانونی خود رئیس بانک تهیه بکنند يك اشلی برای مستخدمین غیر متخصص این کار معین کند برای اینکه این بانک يك روز و دو روز که نیست يك نظامنامه برای ترفیع رتبه مستخدمین تقاعد مستخدمین و بالاخره محاکمه آنها همانطور که برای مستخدمین دیگر دولت معین شده تهیه نماید چون این يك مؤسسه مستقلی است آن تشریفات را لازم ندارد آن نظامنامه را هیئت وزراء تصویب کند و بعد از آنکه هیئت وزراء تصویب کردند عمل بکنند نه این شکل بطور مطلق بعقیده بنده حالا اگر چندان بعضی جاها ملتفت نیستند ولی يك روزی ملتفت خواهند شد و آنوقت جلوگیری هم این قدرها بی اشکال نیست.

میشود نه اینکه دولت در نظر بگیرد فها يك بیانات و شرایطی میشود که محدود میشود حالا ما این جا يك بیاناتی میکنیم شاید برود در کمیسیون و در آنجا موافقت بکنند و توجهی نسبت باین عرایض بشود. کلمه اعطای مرحت کنید بر دارید پول میدهید و منافعش را بر میدارید دیگر کلمه اعطا مورد ندارد اعطا چه چیز است؟ پول دادن و قرض دادن و منافع گرفتن و ملک گرو گرفتن ابتدا باید طوری بشد که محل اطمینان دولت باشد. حالا منحصر کردید که املاکی که ثبت شده باشد این دیگر لازم نیست بجهت اینکه دولت مامقدر است و طریق عدالت هم دارد که محل اطمینان دولت باشد این قید کردن اینکه به ثبت اسناد رسیده باشد در غالب جاها دست دولت هم بسته میشود مثلاً دولت بخوهد در خوزستان شعبه فلاحی را ایجاد کند و هنوز ثبت اسناد هم آنجا ترفیع است یا اینکه در ترکمن بخوهد از نقطه نظر سیاست یا اقتصادش شعبه فلاحی را ایجاد کند ولی در آنجا هنوز ثبت اسناد نیست چکار میکنیم بهتر این است اینجا نوشته شود بوثیقه که محل اطمینان دولت باشد دولت هم نظر به سیاست و صرفه خودش ملاحظه میکند در کمران املاکی به ثبت اسناد رسیده است آنرا قبول میکند در جای دیگر که به ثبت نرسیده است هر چه که محل اطمینان است آخر دولت مثل بنده نیست که قوت نداشته باشد دولت قوه دارد از این جهت بنده عقیده ام این است که این کلمه را بردارند و عوضش بگذارند منافع دولت البته بهتر است

**وزیر اقتصاد ملی..** چون در ضمن مذاکرات در کلیات بنده وعده کردم که در این موضوع توضیح بدهم این است که حالا موقعش است که عرض کنم ولی يك نکته را باید اولاً عرض کنم که آقا بان در نظر داشته باشند که شاید بعد محتاج بشویم بتوجه در این مسئله و آن این است که بانک فلاحی را یا شعبه بانک فلاحی را که تأسیس میکنیم باید در نظر داشته باشیم که معاملاتش

کاملاً معاملات تجرینی باشد نه معاملات پدر و فرزندی یعنی مثل يك نفر تجری که معامله میکنند کاری میکنند از برای اینکه نفع ببرد و مقید است باینکه سرمایه اش از بین نرود و حتی لامکان عیادتش هم زید شود بخت فلاحی را هم از این نظر بگیرد نظر بدین نکنند که يك دولتی پول میدهد بمرده و اگر هم از بین رفت حق نداشته باشد زیرا اگر این نظر را داشته باشیم در ظرف شش ماه تمام سرمایه بانک می رود آن وقت موضوع اساسی که در نظر داشتیم منظور میشود و بعد نمی آید این جا رفق و مهرسانی و بنه ببرد نمیخورد رفق و مهرسانی باید بممسکت کرد که بد شود حالا می فرماید که املاک لازم نیست ثبت شده باشد ملاکی که محل اعتماد دولت باشد بنده خیلی حواسش وقت میشود اگر يك راه دیگری نشان بدهند که ملک را دولت یعنی بانک بتواند بوثیقه بر دورد بدون اینکه ثبت شده باشد و محض وثوق هم باشد میفرمایند دولت قدرت دارد البته دولت قدرت دارد ولی تجویز می فرماید که دولت قدرت خودش را بغير وجه عدالت عمل کند. مثلاً بنده میروم از بانک قرض میخواهم و اعتبار يك ملکي که آن ملک را هم ثبت نکرده ام در حالیکه این ملک را بولاد خودم صحیح کرده ام هیچکس هم خبر ندارد ثبت هم نکرده ام خوب بنده بکنفر دهم عادی هستم که اقبالاً بگوئیم خوب شخصی است ملک هم دارد حضور محل اعتماد است که بر دارم اگر من این ملک را بولادم صالح کرده باشم آن روزیکه دولت میخواهد آن ملک را برد آن ملک مال من نباشد دولت چه خواهد کرد تجویز میفرمایند که... (آقا سید یعقوب - دعوی شخص بانک است) خوب مال دولت که رفته وقتی که مال نداشت ملک مال من نیست دولت هم در این جا شخص بانک است آیا دولت این جا مطابق قانون عدالت چکار کند ملک را بولادم واگذار کند و بقیه من را بگیرد خوب ملک که از بین رفته من هم که از عهده بر نمی آیم یا آن ملک را ببرم اگر ملک را ببرم مطابق آن تجرینی

که شما می فرمائید آن وقت دولت قادر است و ظلم کرده است و اگر نبرد که سرمایه بانک رفته است حالا شما يك وجهی بغیر از ثبت اسناد بدست ما بدهید که اسباب اطمینان باشد که آنوقت ملك ثبت نشده را هم دولت قبول بکند و اما اینکه میفرمائید در مملکت همه جا ثبت اسناد نیست اولاً این را عرض کنم امروز که این شعبه بانک فلاحت باز میشود در تمام مملکت تمام محتاجین باستقراض که نخواهند آمد از این بانک استقراض کنند این اشکالی ندارد این کارها تدریجی است در واقع رونق و توسعه عملیات بانک بعد از چندین سال خواهد بود منتهی از امروز شروع میکنیم يك روزی که بید شروع کرد آن روزش امروز است و این بانک هم که در ظرف همین امسال تمام فلاحت این مملکت را ترقی نخواهد داد و انگهی مگر ثبت اسناد بنا است همینطور بماند ثبت اسناد هم باید در تمام مملکت توسعه و بسط پیدا بکند و فعلاً هم بنوعی که پیش میرود تصور نمیکیم خیلی طول بکشد که تمام املاک این مملکت ثبت بشود با این ترتیب این خودش موجب و مشوق وزارت عدلیه میشود از برای تاسیس ثبت اگر ما در يك مواردی دیدیم که واقعا يك مردمی هستند که از بانک فلاحی محتاجند استقراض بکنند و ثبت شدن املاک مانع میشود این خودش يك فشاری است از برای وزارت عدلیه که باسرع ما ممکن ثبت اسناد را تاسیس بکند چه عیبی دارد که ما اینکار را کرده باشیم بنظر بنده از یکطرف این محسنات را دارد از طرف دیگر ما راه دیگری پیدا نمیکیم باینکه املاکی که وثیقه گذاشته میشود معتبر باشد و از آنطرف هم موقع و لزوم دارد که املاکی را که بانک میگیرد واقعا وثیقه باشد از این جهت چاره را منحصر مینمیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. آقای مؤید احمدی مخالف با کفایت مذاکرات هستید بفرمائید

مؤید احمدی - عرض کنم بعقیده بنده اینماده خیلی مهم است و مذاکرات بقدر کفایت در این موضوع

نشده است بعلمت اینکه ملاحظه بفرمائید اگر يك کسی جواهر آورد در بانک گرو گذاشت میفرمائید این يك مؤسسه تجارتي است بنده هم قبول دارم يك آدمی ده هزار تومان جواهر دارد می آورد در بانک گرو میگذارد پنج هزار تومان پول میخواهد چون ملك ثبت شده نیست نباید پول بقرض داد از این جهت بنده عقیده ام این است اگر اجازه بفرمائید يك قدری بیشتر در اینماده مذاکره بشود ثبت اسناد هم همینطور که میفرمایند در ایالات مهمه ایران هنوز دائر نشده است با اینکه بنده کبراراً با سایر نمایندگان کرمان از آقای وزیر عدلیه خواهش کردیم هنوز در ایالت کرمان که دارای هیجده بلوک است يك ثبت اسناد نرفته است و آنجاست که البته بیشتر قنوت دارد بیشتر محل احتیاج است آنوقت آنها همه محروم خواهید بود.

مخبر - باید توجه بفرمایند که این بانک فلاحی است بانکی نیست که احتیاجات مردم را با دادن قرض بخواهد رفع کند نظر این نبوده است که جواهر بگیرد و قرض بدهد و آن شخص هم آن پول را بگیرد و برود احتیاجاتش را رفع کند غرض این است که بوسیله وثیقه گذاشتن يك ملکی که به ثبت رسیده که بخواهد آباد کند و مشمول این قانون هم هست نسبت باو مساعدت بکنند و نظر دیگری هم که در قسمت اصلاحات دارند پیشنهاد بفرمائید در شور دوم ممکن است اصلاح کنیم

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی  
بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶ باین قسم اصلاح شود: ماده ۶ - املاکی که باین شرط قبول میشود املاکی خواهد بود که سند و یا اسناد معتبر داشته باشد  
پیشنهاد آقای فیهیمی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۶ بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ۶ - قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر داده میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت

رسیده و مورد هیچگونه معامله و قبضی از قبیل توقیف یا رهن بدعاوی دیگر نباشد و قرار داد های استقراری که استقراض کنندگان بنده خود و ورانشان با بانک منعقد مینمایند باید در ثبت اسناد ثبت شود

پیشنهاد آقای هزار جریبی  
بنده پیشنهاد مینمایم ماده ۶ این صورت اصلاح شود: ماده ۶ - قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت اسناد رسیده یا مالکیت نقض کنندگان محرز و مورد تصدیق واقع شود برطبق قرار داد هائیکه بین بانک و استقراض کنندگان منعقد و در ثبت اسناد ثبت میشود.

پیشنهاد آقای دهستانی  
مقدمه منبع ریاست معظمه دامت شوکتها نظر باینکه در بعضی از نقاط اداره و شعبه ثبت اسناد وجود ندارد و نظر باینکه در مواقع فوری برای صلحین و جلوگیری از خسارت استقراض لازم میشود لذا تصویب ذیل را به ماده ۶ اضافه میکنم:

تصویب - قنات هر ملکی که در موقع شرب محمول بواسطه حادثه خراب میشود و ملک هم مالک به ثبت رسیده نداشته باشد در صورتیکه بانک اطمینان دیگری حاصل کند میتواند این قبیل قرضه را بدهد و وثیقه املاک ثبت نشده را قرار دهد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب  
پیشنهاد میکنم در ماده شش عرض کنم به ثبت رسیده نوشته شود که محل اعتماد دولت باشد

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:  
ماده هفتم - مبالغ قرض از پنجاه در صد قیمتی که خیره های بانک برای مالک معین مینمایند تجاوز نماید  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بنده با آقای مخبر هم صحبت کردم ما در سه ماه پیشتر اینجا قانونی گذرانیدیم راجع به بانک شاهنشاهی که حق امتیازش از بین رفت اکنون اجازه این قسم معامله هارا با بانک دادیم. اینجا در این